

## دورنمای روابط ایران و روسیه تا سال ۲۰۰۰

عباس ملکی<sup>۱</sup>

در شرایطی که دنیا در آغاز ورود به قرن بیست و یکم میلادی است و مرحله نوینی را در روابط میان کشورها طی می‌کند، در شرایطی که مقررات جدیدی در رفتارهای بین‌المللی در حال شکل‌گیری است، کوچکترین حرکت و عکس‌العمل در صحنه سیاست بین‌الملل اگر پاسخ مناسب را نبیند ممکن است به یک قاعده و رویه مورد قبول در مناسبات کشورها مبدل شود. روسیه و ایران با عدم پذیرش استدلالهای بی‌پایه ایالات متحده و عدم تمکین به فشارهای آن کشور در صحنه بین‌المللی اجازه نداده‌اند چنین رویه‌های غلطی در روابط بین‌الملل رایج گردد و این، نه تنها برای دو کشور بلکه برای کل جامعه جهانی، «پیروزی» مهمی است.

مسائل و موضوعات متعددی در طول سالیان، ایران و روسیه را از برقراری روابطی شایسته با هم، آنچنان که می‌توانست و باید، باز داشته بود. در یک نگرش کلی تاریخی این نقیصه به ضرر هر دو دولت بود و موجبات تضعیف هر دو را در رقابتی که در صحنه جهانی - برای پیشرفت و ترقی و تأمین رفاه ملی - وجود داشت فراهم می‌آورد. در اینجا قصد پرداختن به اینکه چه عوامل و مسائلی چنین کیفیت نازلی را در روابط موجب شده بود نداریم؛ تنها یادآوری می‌کنیم که سیاستهای توسعه‌طلبی قرن نوزدهم، که در زمان خود سیاستهای فریبنده و پیروزمندانه‌ای جلوه می‌کرد، در کیفیت مناسبات و جهت‌گیری‌های دو سده‌ای که به دنبال آمد تأثیر بسزا داشت. به هر حال شرایط موجود، و وضعیت فعلی روابط، فرصت مغتنمی را برای جبران مافات فراهم آورده است. هرچقدر این فرصت گرانبهاست به همان نسبت ضرورت دقت و مراقبت در بهره‌برداری صحیح و درست از آن و مواظبت در عدم تکرار اشتباهات گذشته بیشتر می‌باشد.

مناسباتی که اخیراً در روابط دو کشور به وجود آمده با اینکه در مراحل اولیه خود است

۱. آقای عباس ملکی، معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در امور آموزش و پژوهش می‌باشد. این مقاله در دومین میزگرد ایران و روسیه (مسکو ۱۲ و ۱۳ مهرماه ۱۳۷۴) ارائه گردید.

ظاهراً در مسیر درستی حرکت می‌کند. این مناسبات آزمایشهای خوبی را با موفقیت پشت سر گذارده و به نظر می‌رسد، آنچنانکه انتظار هم همین است، در یک روند ثابت و مستمری افتاده باشد. ثبات و استمرار در روابط به نوبه خود امکان بهبود و تکامل آن به سوی همکاری‌های بیشتر و مفیدتر را فراهم می‌آورد.

## همکاری در سطح بین‌المللی

### الف) اصلاح ساختار سیاست بین‌الملل

مهمترین دستاورد مناسبات اخیر تأثیر آن بر اصلاح ساختار سیاست بین‌الملل و شکل کلی مناسبات در روابط میان کشورهاست. عدم تمکین روسیه به فشارهای بین‌المللی برای تغییر روند مناسباتش با ایران از یکسو و عزم ایران به حفظ مناسبات ویژه‌اش با روسیه از سوی دیگر بر این اصول مسلم در قواعد رفتار بین‌المللی تأکید گذارد که:

- هیچ کشوری نباید به خود اجازه بدهد در مورد مصالح ملی دولتها آن‌طور که

آنها خود تشخیص می‌دهند و به خود آنها مربوط می‌شود دخالت نماید.<sup>۱</sup>

- هر دولتی آزاد و مخیر است با هر دولتی که بخواهد و تمایل متقابل وجود

داشته باشد مناسبات شایسته برقرار سازد و سایر دولتها حق منع آنها به داشتن

چنین مناسباتی را ندارند.

- دولتها آزاد به هر نوع همکاری با یکدیگر که با مقررات و قوانین بین‌المللی

مغایرتی نداشته باشد می‌باشند و در این زمینه هیچ کشوری نمی‌بایستی آنها را

به بهانه‌های واهی و برای پیشبرد اغراض خاص بین‌المللی از چنین

همکاری‌هایی باز بدارد.<sup>۲</sup>

در شرایطی که دنیا در آغاز ورود به قرن بیست و یکم میلادی است و مرحله نوینی را در

روابط میان کشورها طی می‌کند، در شرایطی که مقررات جدیدی در رفتارهای بین‌المللی در حال

شکل‌گیری است، کوچکترین حرکت و عکس‌العمل در صحنه سیاست بین‌الملل اگر پاسخ

مناسب را نبیند ممکن است به یک قاعده و رویه مورد قبول در مناسبات کشورها مبدل شود.

روسیه و ایران با عدم پذیرش استدلالهای بی‌پایه ایالات متحده و عدم تمکین به فشارهای آن

۱. اینکه ایران بخواهد برای تأمین انرژی بیشتر چه نوع نیروگاهی بسازد - هسته‌ای یا گازی به خود ایران مربوط است.

۲. همکاری ایران و روسیه در مورد تکمیل نیروگاه برق اتمی بوشهر، کاملاً بر طبق قوانین و مقررات موجود بین‌المللی است و مخالفت‌های ایالات متحده در این زمینه تنها از سوی روسیه بلکه از سوی بسیاری دیگر از کشورها، از جمله چین و حتی بعضی متحدان آمریکا به دلیل اینکه تخلفی از مقررات بین‌المللی صورت نگرفته بود مردود بوده است.

کشور در صحنه بین‌المللی اجازه نداده‌اند چنین رویه‌های غلطی در روابط بین‌الملل رایج گردد و این، نه تنها برای دو کشور بلکه برای کل جامعه جهانی، «پیروزی» مهمی است. این کوشش می‌باید به همین روال ادامه یافته باقی مانده هر نوع تحکم‌گرایی و سلطه‌جویی دیگر هم در روابط بین‌الملل از میان برداشته شود.

### ب) تغییر تعبیر منافع حیاتی کشورها

کوشش سوئد مند دیگری که در چارچوب همکاری‌های دو کشور در سطح بین‌المللی در سالهای آتی می‌تواند به عمل آید تغییر تعبیری است که از «منافع حیاتی کشورها» می‌شود. در نظم به اصطلاح نوین فعلی جهانی، برخی کشورها مسائل قاره و همسایگان نزدیک خود را مسائل و منافع حیاتی خود تلقی می‌کنند، مسائل خلیج فارس و مدیترانه و دریای سیاه و اخیراً مسائل کشورهای آسیای مرکزی را نیز جزو قلمرو منافع حیاتی خود محسوب می‌دارند. یک چنین ادعایی با وضعیت توزیع فعلی قدرت در سیستم بین‌المللی منطبق نیست و گذشته از آن با معیارهای نوینی که ورود به قرن جدید می‌طلبد همخوانی ندارد. آنچه که دنیای قرن بیست و یکم می‌طلبد و این در واقع همان وعده‌ای است که همواره جامعه جهانی به خود داده است، توسعه همکاری و معاضدت بین‌المللی و نه توسعه نفوذ و منافع می‌باشد. قطعاً روسیه به اهدافی که پشت برخی پیشنهادها برای موازنه منافع بجای موازنه قدرت ارائه می‌شود آگاه است و به چنین نظریاتی واقعی نخواهد گذارد. آنچه در واقع منطقه و جهان امروز نیاز دارد همکاری گسترده و همه‌جانبه میان کشورها و کمک مسئولانه کشورهای پیشرفته صنعتی به سایر کشورها برای بهبود وضع اقتصادی آنهاست. موازنه منفعی که باز در آن تنها بحث نفع دولتهای قدرتمند مطرح بوده و مصالح و منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه نادیده گرفته شده باشد پسندیده این عصر و زمانه نیست و برای صلح و آرامش جهانی ارمغانی به بار نخواهد آورد.

### ج) ترویج همکاری‌های اقتصادی در سطح جهانی

در زمینه همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، هیچ‌یک از وعده‌هایی که غرب به کشورهای سرگرم تغییر سیستم اقتصادی خود می‌داد تحقق نپذیرفته است. در مورد روسیه علی‌رغم امتیازات بزرگی که از جانب روسیه داده شده است این کمکها به هیچ‌وجه با نیازها و وعده‌ها منطبق نیست و در مورد ایران نیز نه تنها حرکت به سوی اقتصاد باز و بین‌المللی و توسعه مناسبات مورد حمایت قرار نگرفت بلکه از مشکلات آشنا و مشخصی که این انتقال داشت در جهت تلاشی تضعیف موقعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و لطمه زدن به اعتبار آن

سوءاستفاده شد. در عین حال چنین دشمنی‌هایی با انواع تحریمها و کارشکنی‌های اقتصادی برای ممانعت از جلب سرمایه و تکنولوژی و همکاری اقتصادی ایران با سایر کشورها همراه شد. بنابراین یکی از زمینه‌های مناسب دیگر همکاری دو کشور در سطح بین‌المللی می‌باید معطوف همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی بوده، دو کشور روی ارائه اصول و چارچوب مشخصی برای ترویج همکاری‌های اقتصادی در سطح جهانی کار کنند به نحوی که در شروع قرن جدید ضمن مجبور کردن کشورهای پیشرفته به قبول تعهدات بیشتر در این زمینه، مسئله همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی را از حالت خواست و میل کشورها، و صدقه‌سری، خارج ساخته به آن شکل یک تعهد قانونی و بین‌المللی را ببخشند.

#### د) ارتباطات متقابل فرهنگی در سطح بین‌المللی

در زمینه همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی ما همچنانکه بارها عنوان کرده‌ایم و روح پیام رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران به مسئولین اتحاد شوروی سابق بود، اشاعه ضد ارزشها و عادات و رفتارهای منحط غربی را در سطح جهانی، ضایعه‌ای برای کل جامعه بشری تلقی می‌کنیم. ملت‌های ایران و روسیه دو ملت سرآمد در فرهنگ و ادب<sup>۱</sup> جهانند، این سابقه، در مقیاس جهانی می‌تواند رهنمون فرهنگ و اخلاقی شایسته‌تر باشد. روسیه در سالهای اخیر مشکلات رواج شیوه‌های ناپسند زندگی غرب را به عینه تجربه کرده است و ما به خود حق می‌دهیم از بابت توسعه این رفتارها در جامعه کشور بزرگ و همسایه خودمان که می‌تواند بر اخلاقیات جامعه ایرانی نیز تأثیر بگذارد نگران باشیم. مشکلاتی که اشاعه مادی‌گرایی، بی‌بندوباری، سکس و خشونت در جوامع غربی به وجود آورده است را خود آنها نیز معترف و در فکر علاج آن می‌باشند. روسیه و ایران با فرهنگ غنی و ارزشمند جهانی خود در مقامی هستند که می‌توانند بانی و مشوق برقراری سیاست‌های فرهنگی نوینی در جهان قرار گیرند.

#### همکاری در سطح منطقه

##### الف) همکاری برای حل بحرانهای منطقه‌ای (داخلی و یا حوزه مشترک‌المنافع)

خصوصیت برجسته دیگر مناسبات اخیر ایران و روسیه ابعاد وسیع آن در سطوح مختلف است. در روند مناسبات جدید، دو کشور در مسائل و موضوعات منطقه‌ای همکاری

۱. اشاره مقاله از فرهنگ و ادب روس به آثار و ادبیاتی نظیر جنگ و صلح، جنایات و مکافات و هزاران اثر نوشته دیگر در این ردیف با مضامین عدالت‌خواهی و انسانی است که در سراسر جهان از شهرت و معروفیت برخوردار است.

خوبی داشته‌اند. همکاری‌های منطقه‌ای آزمایش مهم دیگری برای قوت مناسبات تازه شکل گرفته بوده است. مسائل بس پیچیده و غامضی در روابط منطقه‌ای وجود داشت که هر یک می‌توانست بر مناسبات جدید دو کشور تأثیر منفی بگذارد. مدتی مسئله رقابت ایران و روسیه در جمهوری‌ها مطرح بود و گفته می‌شد سیاستهای دو کشور حالت مقابله‌گرایانه دارد. با مرارت، خویشن‌داری و سیاست مدبرانه‌ای که دو کشور پیش گرفتند، سیاست مقابله و رقابت جای خود را به همکاری برای برقراری صلح و آرامش در منطقه داد و بسیاری نگرانی‌های بیهوده از نیت یکدیگر منتفی گردید.<sup>۱</sup>

### ب) سازمان همکاری‌های دریای خزر

در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای، ایران پیشنهاد ایجاد سازمان همکاری ساحلی دریای خزر<sup>۲</sup> (کاسکو) را مطرح ساخت. روسیه که با توجه به ابهامات اولیه‌اش نسبت به مواضع ایران، روی خوشی به این همکاری نشان نمی‌داد، با روشن‌تر شدن تکلیف مناسبات دو کشور، بلافاصله تغییر موضع داد و امروز به مدافع جدی و فعال این همکاری مبدل شده است. در حوزه همکاری‌های منطقه‌ای ایران به‌نوبه خود تا مدت‌ها بر سر یک دوراهی قرار گرفته بود که هر انتخابی ممکن بود تعبیر غلطی را در پی داشته مشکلاتی را در سازماندهی کار همکاری پیش آورد. طرح همکاری ساحلی دریای خزر همکاری‌هایی را میان پنج کشور ساحلی در امور ماهیگیری، کشتیرانی، مقابله با نوسانات آب و جلوگیری از وارد آمدن ضایعات به مناطق ساحلی، حفاظت محیط‌زیست، و تحقیقات علمی دنبال می‌کند.

### ج) بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر

موضوع مهم دیگری که همکاری و هماهنگی بیشتری را در سطح منطقه‌ای میان دو کشور ایجاب کرده است مسئله بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر است. اشکالاتی که در این خصوص وجود داشت عبارت‌اند از:

۱. درک کاملاً مشترکی در مورد وضعیت حقوقی رژیم دریای خزر بین کشورهای ساحلی

وجود نداشت؛

---

۱. همکاری نزدیک ایران و روسیه در کمسیون صلح تاجیکستان، اقدامات موازی برای آتش‌بس در جنگ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، و حتی در ناآرامی‌های داخلی گرجستان و نیز استقبال و مساعدت دو کشور از برنامه عمومی صلح و ثبات در منطقه از نمونه‌های بارز این تحول است.

۲. همکاری منطقه‌ای که ایران و روسیه برقراری آن را برای صلح و ثبات منطقه لازم می‌دیدند شکل قطعی به خود نگرفته بود؛

۳. بعضی قدرتهای غربی مترصد آن بودند که از خلاء به‌ظاهر پیش‌آمده در منطقه برای توسعه منافع و نفوذ خود سود جویند که چون اهداف و مقاصد انتهایی آنها مشخص نبود چنین حرکت‌هایی نگرانی‌هایی را در ایران و روسیه برمی‌انگیخت.

در همه این زمینه‌ها ایران و روسیه هماهنگی سیاسی و فکری خوبی با یکدیگر به‌عمل آورده‌اند. مسئله‌ای که هست و در سالهای مانده تا آغاز قرن بیست و یکم باید تحقق یابد این است که:

۱. به‌ترتیبی که شده برای همکاری‌های منطقه‌ای اصول و چارچوب مورد قبول هماهنگی فراهم شود و همکاری ساحلی دریای خزر تحقق عینی بیابد.

۲. برای همکاری کشورهای ساحلی با کشورهای ثالث در زمینه استخراج نفت و گاز خزر که با ملاحظه منافع همه کشورهای ساحلی بوده، در عین حال نگرانی‌های مورد اشاره را دربر نداشته باشد، چاره و تدبیر مناسبی اندیشیده شود. نگرانی از مطامع قدرتهای خارجی در منطقه اگر با سیاست مناسبی برای بهره‌برداری از منابع نفت و گاز و کسب درآمدهای ارزی جایگزین نشود ممکن است در نهایت به ضرر مصالح منطقه‌ای تمام شود.

#### (د) اکو

در زمینه همکاری دیگر منطقه‌ای یعنی «اکو» که شش کشور آسیای مرکزی به آن پیوسته‌اند باز به‌نظر می‌رسد در ابتدا سؤالاتی وجود داشت. حتی در یک مقطع گفته می‌شد که طرح اتحاد اقتصادی کشورهای مشترک‌المنافع که از جانب روسیه ارائه شده بود با اکو نمی‌توانست همسو باشد و این دو احتمالاً مانع‌الجمع هستند. در این زمینه هم نهایتاً درست‌اندیشی و درایت سیاسی بر ضرورت تقویت همکاری اقتصادی اکو به‌عنوان چارچوب مناسب و مکملی برای رفع نقایص و کمبود سالها عدم مراوده در کل منطقه صحه گذارد. حتی این ضرورت عاجل درک شد که بدون برنامه‌ریزی در چارچوب این همکاری در امور توسعه شبکه راههای مواصلاتی، توسعه تسهیلات تجاری، توسعه امکانات حمل‌ونقل و مبادلات پولی و نهایتاً ایجاد زیربنای لازم، امکان توسعه همکاری‌های اقتصادی در کل منطقه، که به‌نفع روسیه نیز هست، میسر نخواهد گردید.

## ۵) ارتباطات و کوشش برای اصلاح آن

گام بی سابقه و ارزشمند دیگری که جمهوری اسلامی ایران در توسعه مناسبات منطقه‌ای برداشته، کوشش در تکمیل راههای مواصلاتی شمال - جنوب کشور است که با تکمیل آنها، امکانات جدید و فوق‌العاده‌ای برای حمل و نقل و مبادلات تجاری کشورهای آسیای مرکزی و نیز روسیه، از این سمت، فراهم می‌آید. این بخش از همکاری‌های منطقه‌ای ایران و روسیه دامنه همکاری‌ها با روسیه و سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی را تا خلیج فارس امتداد می‌بخشد. ایران علاقه‌مند به ایفای نقش فعالی در خلیج فارس به عنوان واسطه تجاری - مبادلاتی روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی با سایر مناطق جهان است. چنین راهی بدون شک بهترین طریق ارتباطی برای کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و قفقاز و راه مواصلاتی ارزشمندی برای توسعه مبادلات روسیه با کشورهای جنوب آسیا، چین، ژاپن و اقیانوسیه است. آبراه ولگا - دن به نوبه خود راه مواصلاتی ارزشمندی را برای کالاهای جمهوری اسلامی ایران به مقصد کشورهای اروپایی در اختیار می‌گذارد. در این زمینه دو کشور به عنوان مکمل رفع تنگناهای مواصلاتی اصلی یکدیگر عمل می‌کنند و این از ارزنده‌ترین جنبه‌های همکاری دو کشور با یکدیگر محسوب می‌شود.

در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای قلمرو ایران بهترین و مناسب‌ترین مسیر برای انتقال خطوط لوله و نفت و گاز است. در حال حاضر به نظر می‌رسد بر سر انتقال خطوط لوله نفت از مسیرهای مختلف رقابت باشد. این رقابت را بسادگی می‌توان به همکاری و معاضدت مبدل نمود. ایران و روسیه می‌توانند به عنوان شرکا و دوستانی همکار عمل نمایند. در چنین همکاری، توانایی‌های فنی و تولیدی و تجارب دو کشور می‌تواند مکمل یکدیگر واقع گشته بخش عمده‌ای از نیازهای منطقه‌ای را مرتفع نمایند.

## همکاری در سطح دوجانبه

در زمینه دوجانبه، مناسبات دو کشور حالت روابط ویژه‌ای را به خود گرفته است که این شکل از مناسبات روزبه‌روز حالت تثبیت یافته‌تری به خود می‌گیرد. در روابط دوجانبه ایران و روسیه به دلیل همان فقدان طولانی مرادوات و مناسبات سودمند کمبودهای زیادی وجود دارد. در مناسبات میان ایران و روسیه قانون بازده نزولی حاکم نیست که اگر میزان مناسبات به حد معینی رسید سودمندی توسعه روابط شروع به نقصان نماید. هر دو کشور از امکانات وسیع و گسترده‌ای برخوردارند و زمینه برای همکاری میان آنها در امور مختلف نامحدود است.

انتقال تکنولوژی و همکاری‌های دفاعی از جمله مصادیق مهم همکاری‌های دوجانبه ایران و روسیه محسوب می‌شود. ماهیت روابط در محدوده مناسبات سیاسی، تحرک و مبادلات بیشتری را ایجاد می‌کند. در واقع علی‌رغم حجم گسترده همکاری‌های سیاسی و اقتصادی میان دو کشور، مناسبات و مشاوره و تبادلات دیپلماتیک در سطوح عالی می‌تواند گسترده‌تر شود. یکی دیگر از ضروریات در مناسبات سیاسی میان دو کشور که به نظر می‌رسد بتواند به توسعه مناسبات دو کشور بیش از پیش کمک نماید توافق دو کشور در مورد اصول و مبانی تنظیم روابط سیاسی فی‌مابین است. یک چنین سندی به شکل روابط ماهیت مستمر بخشیده اطمینان‌هایی را که لازمه و پیش شرط هر توسعه مناسباتی در روابط کشورهاست تقویت خواهد نمود.

در حالی که توسعه روابط دو جانبه در همه امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میدان فعالیت وسیعی در مقابل خود دارد، بی‌شک مناسب‌ترین زمینه و سودمندترین آن توسعه همکاری‌های اقتصادی و فنی میان دو کشور است. همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور می‌تواند طیف وسیعی را از تبادل تجربیات در مورد سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی تا پروژه‌های مشترک در امور صنعتی، فنی، کشاورزی و زیربنایی، و تا توسعه تجارت و حمل‌ونقل، و آموزش‌های متقابل فنی و حرفه‌ای برای نیروی کار و متخصصین رشته‌های مختلف شامل گردد. روسیه با کمک به احداث نخستین کارخانه ذوب آهن در ایران در دهه شصت و با مشارکت در چندین پروژه مهم و بزرگ صنعتی دیگر سابقه مطلوبی از اینگونه همکاری‌ها در مناسبات دو کشور ایجاد کرده است. طرح تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و توسعه همکاری‌ها در بسیاری زمینه‌های فنی دیگر در راستای همین سابقه و با اتکای به همین ذهنیت و ثمراتی که بر توسعه مناسبات فی‌مابین داشته است صورت می‌گیرد.

به هر حال علی‌رغم روند مطلوب روابط در دو - سه سال اخیر و استواری و ثبات نسبی که بر آن حاکم بوده است، حجم مراودات و همکاری‌ها تا حد مطلوب هنوز فاصله بسیار دارد. آنچه مسلم است دو طرف مایل و علاقه‌مند به توسعه و تحکیم مناسبات فی‌مابین هستند و این روند در سالهای آتی، در همه زمینه‌ها، ادامه می‌یابد.